



گفت‌وگوی «جوان» با سعید عبدالملکی تحلیلگر روان‌شناسی سیاسی پیرامون جوانان و مسائل هویتی، نیازها و چالش‌های آنان

# انتقال قدرت بین نسلی و مسئولیت‌سپاری به جوانان راهکار عبور از تهدیدهاست

■ زهرا چیذری

با وجود آنکه امروز جامعه ما دیگر جامعه ساکن نیست و مهاجرت‌ها و جابجایی‌ها بسیار زیاد است، اما هنوز هم بخش مهمی از جمعیت کشورمان جوان هستند و همچنان پنجره جمعیتی باز است. جمعیت ۳۶میلیونی جوانان دختر و پسر کشور که هر کدام از توانمندی و هنر و ویژه‌ای بر خور دارند، نیازمند توجه ویژه دولت و حاکمیت است چراکه اگر این ثروت عظیم انسانی به درستی مدیریت و بهره‌برداری نشود، نه‌تنها سودی نخواهد داشت بلکه تبدیل به یک تنش نسلی، تهدید و آسیب می‌شود و به تبع تغییرات طبیعی جهانشمول از یک طرف جوانان مشکلات متعددی ایجاد می‌کند.
اینک، جوانان به تبع تغییرات طبیعی جهانشمول از یک طرف و سیاسی دشمنان از طرف دیگر مورد تحول نگرشی و رفتاری قرار گرفته و نیازها و دغدغه‌های جدید و گاه نامتعارفی پیدا کرده‌اند که نیازمند شناخت، آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی است.
دکتر سعید عبدالملکی، عضو هیئت علمی دانشگاه، روان‌شناس، تحلیلگر روان‌شناسی سیاسی و توسعه‌تئورسین در راستای تبیین بیابیه‌گام‌دوم انقلاب، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، کتاب «جوانان تأثیر گذار، صورت‌بندی نظام مسائل و چالش‌های جوانان، راهبردها و الزامات سیاستی» را به رشته تحریر در آورده است. در این کتاب در سه فصل به نگارش در آمده تلاش شده است ضمن گونه‌شناسی و صورت‌بندی مسائل و چالش‌های جوانان کشور، راهکارهای عملیاتی و واقع‌بینانه در چارچوب اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی ارائه شود.
چالش‌های نسل جوان و جایگاه آنها در اسناد بالادستی و چگونگی هویت‌بخشی به آنها موضوعاتی است که در گفت‌وگو با دکتر عبدالملکی درباره آنها به بحث و بررسی پرداخته ایم.

■■■■

**چرا در برنامه‌ریزی‌های دشمن جوانان در نوک پیکان قرار می‌گیرند و برای مواجهه با این مسئله باید چه تدابیری در نظر گرفت؟**

جوانان نقطه قوت هر کشوری هستند و مانیز که در حال حاضر یک کشور جوان هستیم، دشمنان همواره این نقطه قوت‌مان را هدف تویخانه خود قرار داده‌اند. دشمن برای کاشین ترمز پیشرفت کشور از یک‌سو می‌خواهد جوانان را ناامید و افسرده کند تا نشاط و کارآمدی خود را از دست دهند و در روند پیشرفت کشور نقش نداشته باشند و از سوی دیگر بین جوانان و نظام تخم‌کینه و تفرقه‌پیکار دچراکه دشمن با ایران قوی مشکل دارد. دشمنان اساساً دشمن بشریت هستند و حتی به جوانان کشورهای دیگر هم رحم نمی‌کنند. جوانان کشورهای دیگر را رویتت، همه آنها را در مصرف‌گرایی، مشروبات الکلی و روابط نامشروع غرق کرده‌اند و اسم آن را آزادی گذاشته‌اند. در حالی که آنها را خشنی ناپود کرده‌اند تا نفهمند در دنیا و کشورشان چه می‌گذرد. به نظر بنده نسل «زد» و «نیت‌ها» که در کل جهان ظهور کرده‌اند، غرق غرب و معماری و سازمانده‌های شده‌اند. سیاست‌های لیبرالی و سرمایه‌داری غرب به گونه‌ای است که فقط یک عده خاص باید آقای جهان باشند و مابقی تحت کنترل و شرطی‌سازی آنها قرار داشته باشند، بنابراین در این باره‌ادامی گفتیمانی جوانان صرفاً مصرف‌گرا و قربانی هستند. بانگهای عمیق به‌لسن‌های شکل گرفته بعداز جنگ جهانی دوم این مهم را در می‌یابیم که چگونه سیاست غرب خیلی ماهرانه نسل جوان کنونی را به لبه پرتگاه، بوچ‌گرای برده است. اولین نسل بعد از جنگ جهانی دوم بیبی بومرا (نسل B) بودند که بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ می‌زیستند که آرام‌گرا، انقلابی و صاحب‌ایدئولوژی بودند. نسل بعدی نسل ایکس(X) بود که بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به دنبال تحول سیاسی، فردگرایی، مادی‌گرایی و زندگی لوکس بودند. نسل سوم نسل وای(W) بود که بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ می‌زیستند که در این زمان جهانی‌سازی، ظهور اینترنت و تجربه‌گرایی بر آن حاکم بود. در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ نسل زد (Z) شکل گرفت که نسل بدون هویت بودند و تحت نفوذ و سلطه شبکه‌های اجتماعی قرار داشتند، اما اکنون شاهد ظهور نیت‌ها هستیم؛ نسلی که گرچه از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی بنیان‌های اولیه آن قابل‌ردیابی است اما در سال‌های اخیر بروز و ظهورش جدی شده است. نسل نیت(NEE) به معنای نسلی است که «نه» درس می‌خوانند، نه شافل است و نه مهارتی می‌آموزد». نسل نیت در ایالات‌متحده آمریکا، کانادا، انگلستان، چین، ژاپن و ایران شیوع بیشتری دارد. این نسل به همراه نسل زد نسل پسانقلاب اطلاعاتی، پسانئترنت و نسل فضای مجازی هستند که باید آنها را در این میدان رفتارشناسی کرد و نسخه‌پسچید، بنابراین می‌بیینم که چگونه در این فرایند غربی‌سازی جهان، نسل بشر علی‌۸سال از آلمان‌گرایی به بوچ‌گرایی رسیده است. نسل نیت در کشور ما متأسفانه به دلیل غفلت مسئولان ذی‌ربط – به خصوص در دهه ۹۰ که سند ۲۰۳۰ اجرایش شد- اکنون در وضع نامناسبی است. بر اساس برخی آمارها و گزارش‌های سال۱۳۹۷ نسل نیت حدود ۳۰درصد از جوانان ۱۵ تا ۲۴ساله کشور را تشکیل می‌دهند، حتی بدون توجه به آمارها، مشاهدات میدانی وجود این نسل را تأیید می‌کند. جمعیت مذکور بدون فعالیت، بدون مهارت، بدون شغل، بدون اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیل هستند و هیچ مهارت و تخصصی ندارند و صرفاً سربار جامعه، خانواده و دولت و کارآمدی در زمینه‌های گوناگونی مثل صنایع، تولیدی و خدماتی ندارند و صرفاً سربار جامعه، خانواده و بمب‌آماده انفجار هستند، دچار کناره‌گیری و طرد

اجتماعی و سیاسی هستند و با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه‌اند و بستر مناسبی برای بزهکاری، ارتکاب جرم و آسیب‌های اجتماعی هستند و عملاً یک تهدید امنیتی به شمار می‌روند.

**یعنی ما به واسطه نداشتن برنامه برای بخشی از نسل جوان آنها را به جای فرصت به تهدید تبدیل کرده‌ایم؟**

بله. عمده افرادی که در ناآرامی‌های سال‌های ۹۶، ۹۸ و اغتشاشات ۱۴۰۱ حضور فعال داشتند، نیت‌ها بودند، یعنی جوانانی که تقریباً در سن ۱۵ تا ۲۵سال بودند، بنابراین باید بدانیم که بی‌توجهی به جوانان در این سن ممکن است از فرصت‌ها تهدید بسازد.

**راهکار مواجهه با این نسل و این چالش‌ها چیست؟**

همیشه آسیب‌شناسی بخشی از راه‌حل است. آسیب‌شناسی مذکور به ما می‌گوید که چه کنیم تا این نسل از دام سیاست شیطنی غرب رها و آزاد شود و به دامان ایران اسلامی برگردد و صلابت‌له‌لامش این است که مسئولان برنامه‌ریزی کنند و آنچه در سیاست‌های کلی نظام در خصوص نوجوانان و جوانان آمده و تاکنون غفلت شده است، به اجرا در آید. جمعیت ۳۶میلیونی جوانان دختر و پسر کشور که هر کدام از توانمندی و هنر و ویژه‌ای بر خور دارند، نیازمند توجه ویژه دولت و حاکمیت است چراکه اگر این ثروت عظیم انسانی به درستی مدیریت و بهره‌برداری نشود، نه‌تنها سودی در آن نخواهد بود، بلکه تبدیل به یک تهدید و آسیب می‌شود و مشکلات متعدد ایجاد می‌کند. اینک، جوانان به تبع تغییرات طبیعی جهانشمول از یک طرف و سمشایی دشمنان از طرف دیگر مورد تحول نگرشی و رفتاری قرار گرفته‌اند و نیازها و دغدغه‌های جدید و گاه نامتعارفی پیدا کرده‌اند که نیازمند شناخت، گونه‌شناسی و برنامه‌ریزی است. متأسفانه در سال‌های اخیر به دلایل مختلف این ظرفیت انسانی مورد کهمبری قرار گرفته است. از جمله این دلایل، ناکارآمدی مدیریتی، فقدان هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی فرایگر دولت و وزارت ورزش و جوانان بوده است. به دنبال تحول سیاسی، کروناست که موجب فریز و به تأخیر افتادن روند طبیعی رشد و توسعه به ویژه در حوزه جوانان شده است. چه از لحاظ تحصیل و آموزش و چه اشتغال و تشکیل خانواده و درآمد، جوانان دچار وقفه وقفه شده‌اند و این وقفه خسارات و تبعات زیادی را دامنگیر آنها کرده است، بنابراین بنده پیشنهاد می‌کنم وزارت ورزش و جوانان سن جوانی را تا ۴۵سالگی لحاظ کند تا بخشی از این وقفه جبران شود. اگر سیاست‌گذاری لازم در این مورد صورت نگیرد، پیامدهای زیانبار بی‌شماری نه تنها گریبان این قشر، بلکه گریبان تمام جامعه را خواهد گرفت. بیسکاری و تجرد موجب دامن زدن به آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، زیست سلامت روان، خودکشی و امثال آن شده است.

**جایگاه جوانان در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی نظام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی نظام جایگاه ویژه‌ای برای جوانان لحاظ شده است، به عنوان مثال در بند ۱۵ از سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نسبت به تقویت هویت ملی و ایجاد بسترهای لازم برای رشد فکری، علمی، توجه به نیازها، مقتضیات فراهم کردن شغل، ازدواج، مسکن جوانان و حل آسیب‌های اجتماعی که ممکن است در کمین آنان باشد، تأکید شده است. همچنین در سیاست‌های کلی آموزش و پرورش جایگاه دانش آموزان لحاظ شده است. در سیاست‌های کلی خانواده نیز بر ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و حمایت از تشکیل خانواده تأکید شده است. در بند ۲۴ سیاست‌های کلی مصوب

مجمع تشخیص مصلحت نظام، به نیازها، ضرورت‌های جوانان و فراهم کردن شرایط مناسب برای مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی توجه ویژه شده است. همین‌طور در اصول سیاست فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اهتمام و اقدام همه‌جانبه به منظور شناخت نیازها، مقتضیات جسمی و روحی نسل جوان کشور و فراهم کردن زمینه‌های مساعد برای تکامل و تعالی شخصیت علمی و عقیدتی جوانان و مسئولیت‌پذیری و حضور مستقیم و مشارکت اجتماعی آنان تأکید شده است. در برنامه‌های توسعه به خصوص برنامه ششم افزایش مهارت و تخصص فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها، هنرستان‌ها، دانشگاه‌ها و ارائه آموزش‌های مهارتی، تخصصی و فنی و حرفه‌ای لحاظ. اما در برنامه هفتم توسعه



**باید بگویم تهدید اصلی در حوزه جوانان، گسست بین نسلی است و راهکار آن انتقال قدرت بین نسلی و مسئولیت‌سپاری به جوانان در تمام زوایای مدیریتی، اجرایی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. فرصت اصلی در این زمینه، اجرای پروژه و پروسه انتقال بین نسلی است، اما ضعف اصلی در حوزه جوانان به خود آنان برمی‌گردد و عبارت از عدم توانایی حل مسئله و ناکارآمدی چندوجهی است که راهکارش خودسازی و توانمندسازی است**



© گفتمان

امروزه جوانی در معنای کلی و جهانشمول آن تنوع‌گرایی در وضعیت و کثرت‌گرایی در سبک زندگی است و همین امر بی‌انگه آن است که اساساً نیازها و خواست‌های جوانان با سایر اقشار جامعه متفاوت شده است. بنابراین ابتدا لازم است به احصای کل‌نظام مسائل و چالش‌های جوانان کشور پرداخت چراکه به صورت سیستمی و علت و معلولی با هم مرتب هستند و سپس به ارائه راه‌حل‌های عملیاتی و واقع‌بینانه در چارچوب قوانین و اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام کرد



فضای مجازی است. متأسفانه فضای مجازی، فضای ذهنی(mental space) کودکان، نوجوانان و جوانان ما را تسخیر کرده است. این ظرف ذهنی از سوی اینستاگرام آلوده‌شده است. اینستاگرام با ارائه تصاویر و کلیپ‌های مستهجن و پورنوگرافی موجب وقوع بلوغ زودرس در کودکان و نوجوانان و تأخیر و بحران در هویت‌یابی آنان شده است. اینستاگرام حتی بزرگسالان را از نظر هوش اخلاقی تخریب می‌کند. بر اساس پژوهش‌های دانشگاهی، بیشترین درصد جامعه ایرانی است که در اینستاگرام حضور دارند، بین ۱۸ تا ۳۷سال هستند که یک دوره طلایی و سرمایه‌انسانی و اجتماعی برای هر کشوری است و متأسفانه غرب از طریق این شبکه، جوانان و نوجوانان ما را مهندسی هویت می‌کند، بنابراین بر اثر قصور دولت سابق، خلأهویتی و ایدئولوژیک در جوانان به وجود آمد که خروجی منفی آن را در اغتشاشات ۱۴۰۱ و عین‌دیدم خوشبختانه دولت کنونی در حال جبران آن آسیب‌هاست و تاکنون برنامه‌های خوبی در حوزه جوانان اجرا کرده است.

فضای مجازی است. متأسفانه فضای مجازی، فضای ذهنی(mental space) کودکان، نوجوانان و جوانان ما را تسخیر کرده است. این ظرف ذهنی از سوی اینستاگرام آلوده‌شده است. اینستاگرام با ارائه تصاویر و کلیپ‌های مستهجن و پورنوگرافی موجب وقوع بلوغ زودرس در کودکان و نوجوانان و تأخیر و بحران در هویت‌یابی آنان شده است. اینستاگرام حتی بزرگسالان را از نظر هوش اخلاقی تخریب می‌کند. بر اساس پژوهش‌های دانشگاهی، بیشترین درصد جامعه ایرانی است که در اینستاگرام حضور دارند، بین ۱۸ تا ۳۷سال هستند که یک دوره طلایی و سرمایه‌انسانی و اجتماعی برای هر کشوری است و متأسفانه غرب از طریق این شبکه، جوانان و نوجوانان ما را مهندسی هویت می‌کند، بنابراین بر اثر قصور دولت سابق، خلأهویتی و ایدئولوژیک در جوانان به وجود آمد که خروجی منفی آن را در اغتشاشات ۱۴۰۱ و عین‌دیدم خوشبختانه دولت کنونی در حال جبران آن آسیب‌هاست و تاکنون برنامه‌های خوبی در حوزه جوانان اجرا کرده است.

**برای پرورش و تقویت هویت ایرانی –اسلامی چه راهکارهایی پیش‌روی مااست؟**

با افتخار می‌توان اذعان داشت در کشور ما و ذیل نظام جمهوری اسلامی ایران برای پرورش و تقویت هویت ایرانی –اسلامی کوراها و تغذیه‌های فکری و رفتاری فراوانی وجود دارد؛ چه نرم‌افزاری و چه سخت‌افزاری. نظام در چهار دهه گذشته ثابت شده است صرفاً نگاه تک‌ساحتی و مادی‌گرایانه جواپگو نیست و بر خلاف کشورهای اسکاندیناوی که به دلیل غرق‌شدن در رفاه مادی بعد از ۴۰سالگی زندگی برای‌شان چالش‌بند ندارد

ابتدا باید بگویم که در کشور ما سه نوع هویت وجود دارد: ۱. هویت ایرانی ۲. هویت اسلامی ۳. هویت مدرن. طبیعتاً جوانان نیز متأثر از این سه‌گانه هویتی هستند. وجود و حضور این سه‌گانه هویتی امری گریزناپذیر است. لازم است تعادلی بین این سه مورد برقرار و آن را ضابطه‌مند کرد تا هویت ملی آسیب‌نبیند. اساساً در کشور ما کسب هویت دچار وقفه و گاه بحران است. دوره هویت‌یابی در نوجوانی اتفاق می‌افتد که معمولاً در ۱۵سالگی است. در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۹ کسب هویت در ۱۴ تا ۲۳سالگی رخ می‌دهد. بر اساس مطالعات روان‌شناسی، کوه‌قهرمان و سوبراستار در چهار سطح وجود دارد: ۱. در شش سال اول زندگی که پدر و مادر الگو و قهرمان فرزند خود هستند. ۲. در شش سال دوم زندگی که معلمان و مربیان الگوی فکری و رفتاری فرد هستند. ۳. در شش سال سوم که اردوکشی خیابانی و براندازی را در می‌یابد. جوانی الگو، قهرمان و سوبرمن برای جوانان، گروه‌های مرجع، مسئولان و مدیران کشور هستند، بنابراین پایه‌کلیدی و محوری هویت در جوانان، نظام حکمرانی کشور است و هر موط و سهل‌انگاری در این خصوص رخ دهد، پرهزینه خواهد بود. از طرفی، جامعه‌ما یک جامعه به شدت پویا و در حال تغییر دائمی است. شدت تغییرات به ویژه در دهه گذشته بسیار بالا بوده است. همزمان با ورود گوشی‌های تلفن همراه، اینترنت پرسرعت و شبکه‌های اجتماعی، نرخ رشد تحولات اجتماعی شدت گرفته است. جوانان اولین گروه آملاری هستند که بیشترین تأثیر نگرشی و رفتاری را از این موضوع تجربه کرده‌اند. متأسفانه در دهه ۹۰، دولت وقت به دلیل ترویج سبک زندگی غربی و ممانعت از الگوشدن و ترویج سبک زندگی ایرانی –اسلامی به هویت نسل جوان آسیب زده؛ حذف پرورش مدارس، اجرای سند ۲۰۳۰ یونسکو، توسعه اینترنت و فضای مجازی که تا عمق روستاها رفت، در حالی که هنوز ظرفیت فرهنگی آن به وجود نیامده بود و توسعه اینترنت اساساً اولویت کشور نبود و بار تخریبی فضای مسوم شبکه‌های اجتماعی و فیلم‌های پورن موجب افزایش آسیب‌های اجتماعی شد. همین‌طور، تسلیزیتی پروری، فرهنگ‌سازی برای هم‌زستی سگ و انسان و همچنین ورود سبک به‌خانه‌های مردم شد. به علاوه، کوه‌داج دانش‌آموزان و دانشجویان در فضای مجازی لطمات جبران‌ناپذیری بر هویت نوجوانان و جوانان گذاشت. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته یکی از عللی که کسب هویت در ایران امروز را با چالش مواجه کرده،